

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۱۸، رستاخیز بدن زمان بندی داوری نهایی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱۸ رستاخیز بدن، زمان بندی داوری نهایی است.

ما مطالعه خود در مورد فرجام‌شناسی یا آخرالزمان را با رستاخیز بدن ادامه می‌دهیم.

ما گفته‌ایم که زمان رستاخیز در پایان عصر پس از دومین ظهور مسیح است. گفتیم که افراد درستکار در مورد اینکه چند مرحله در این امر دخیل است، اختلاف نظر دارند. و پشاهزاده‌گرایی به یک رستاخیز معتقد است.

پشاهزاده‌گرایی تاریخی به دو رستاخیز اعتقاد دارد. پشاهزاده‌گرایی تدبیری به سه رستاخیز معتقد است. ما گفتیم که دامنه رستاخیز جهانی است و به دانیال ۱۲:۲، یوحنا ۵:۲۸-۲۹، اعمال رسولان ۲:۴-۱۵ و مکاشفه ۲۰:۱۱-۱۵ استناد کردیم.

یک مطالعه جذاب و مهم، ماهیت بدن رستاخیزی است. و مهمترین نکته‌ای که باید گفت این است که بین بدن‌های فعلی ما و بدن‌های رستاخیزی‌مان، هم پیوستگی و هم گسستگی وجود دارد. پیوستگی

شاید مهمترین آیه رومیان ۸:۱۱ باشد. این تعلیم من است. بدن ما یک جهان کوچک از کیهان است، که همان جهان بزرگ است.

اولین و مهمترین چیزی که باید در مورد رستاخیز گفت این است که این بدن‌ها هستند که زنده خواهند شد. آنها تبدیل خواهند شد. آنها به طرز شگفت‌انگیزی جدید خواهند شد، به روش‌هایی که اکنون حتی نمی‌توانیم. به طور کامل درک کنیم.

اما نکته اصلی که باید گفت این است که بین بدن‌های فعلی ما و بدن رستاخیز یافته‌مان پیوستگی وجود دارد. به همین ترتیب، آسمان‌ها و زمین جدید به طرز شگفت‌آوری جدید خواهند بود، اما رومیان ۸ این عالم صغیر و عالم کبیر را با هم ترکیب می‌کند. رستاخیز بدن‌های ایمانداران

به اصطلاح، رستاخیز یا رستگاری، زیان کیهان در آنجاست. این زمین فعلی است که تجدید خواهد شد. زمین فعلی کاملاً نابود نشده است و زمینی جدید خلق می‌شود.

برخی این را پذیرفته‌اند و ما به آنها احترام می‌گذاریم، اما در این مورد یک اجماع واقعی، حتی یک اتفاق نظر بین انجیلی‌های اصلاح‌شده و یک اجماع واقعی بین مسیحیان انجیلی وجود دارد. اما ما در مورد کیهان صحبت نمی‌کنیم، بلکه در مورد رستاخیز بدن صحبت می‌کنیم. رومیان ۸:۱۰ می‌گوید، اگر مسیح در شماس است، اگرچه بدن به دلیل گناه مرده است، روح به دلیل عدالت، حیات است.

آیه کلیدی رومیان ۸:۱۱ این است. اگر روح کسی باشد که عیسی را از مردگان برخیزانید، آن روح، پدر خواهد بود. بنابراین روح القدس روح پدر نامیده می‌شود، و شما هر سه شخصیت تثلیثی را در اینجا دارید.

این پولس قدیمی است. اگر روح کسی که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، به بدن‌های فانی شما نیز از طریق روح‌القدس خود که در شما ساکن است، حیات خواهد بخشید. پدری که عیسی را از مردگان برخیزانید، به بدن‌های فانی ما حیات، حیات رستاخیز، خواهد بخشید و این کار را به وسیله روح انجام خواهد داد.

معمولاً، کتاب مقدس رستاخیز عیسی را یا مستقیماً یا با استفاده از فعل مجهول الهی به پدر نسبت می‌دهد. «دو بار در انجیل یوحنا، فصل ۲، آمده است»: این معبد را ویران کنید. من آن را دوباره برپا خواهم کرد. «فصل ۱۰، ۱» جان خود را می‌دهم، دوباره آن را برمی‌دارم.

عیسی به طور منحصر به فردی در آنجا مطرح می‌شود - چندین بار، از جمله اول تیموتاوس، اول پطرس. من از آموزش مطالب طولانی خیلی می‌ترسم.

در اول پطرس ۳، روح‌القدس قیام کرد و در رومیان ۱، روح‌القدس در رستاخیز عیسی مسیح نقش دارد. نکته ما در اینجا این است که بین این بدن‌ها و بدن رستاخیز یافته ما، بین بدن فعلی ما، پیوستگی وجود دارد. من همچنان از ضمیر جمع و مفرد استفاده می‌کنم.

بدن من قیام خواهد کرد، و اگر به مسیح ایمان داشته باشید، بدن شما هم قیام خواهد کرد. همه قیام خواهند کرد، اما برای ایمانداران، بین بدن فعلی و بدن رستاخیز یافته، پیوستگی بیشتری نسبت به گسستگی وجود دارد. بفرمایید.

پدر به بدن‌های فانی ما حیات خواهد بخشید. حال، اول قرن‌تین ۱۵ می‌گوید که بدن فانی به بدنی جاودانه تبدیل خواهد شد، یک دگرگونی عظیم. اما این بدن فانی است که به بدن جاودانه تبدیل می‌شود.

در واقع، عیسی اولین ثمره کسانی است که خفتند. بنابراین، با احترام می‌گویم، عیسی نمونه اولیه، اگر بخواهید، رستاخیز مردگان است. اول قرن‌تین ۱۵، طبق انجیل پولس، می‌گوید که مسیح مطابق کتاب مقدس مصلوب شد، دفن شد و زنده شد.

آیات ۲۰ و ۲۱ با مقایسه دو آیه آدم، اول قرن‌تین ۲۰: ۱۵ و ۲۱، به ما می‌گویند که مسیح از مردگان برخاسته است. این آیه پس از عبارتی می‌آید که در آن پولس، صادقانه بگویم، این یکی از دو چیزی است که مرا به عنوان یک جوان ۲۱ ساله به سوی مسیح هدایت کرد. من به طور خاص عهد جدید را می‌خوانم، به خصوص پولس را.

خدای من، تثلیث همه جا هست. من گفتم هیچ‌کس این را از خودش در نمی‌آورد. این مانعی برای ایمان خواهد بود.

البته قبلاً درباره تثلیث شنیده بودم، اما حالا با تثلیث، به خصوص در مسیح و انجیل، روبرو شده بودم و ایمان آوردم. نکته دیگر، اول قرن‌تین ۱۵: ۱۲ تا ۱۹ بود، صداقت خدا در تفکر درباره آنچه که اگر مسیح زنده نمی‌شد، به دست می‌آمد. این واقعاً مرا شگفت‌زده کرد.

اگر مسیح برنخاسته باشد، ایمان شما باطل است. اول قرن‌تین ۱۷: ۱۵، شما هنوز در گناهان خود هستید. وای، ما شاهدان دروغین خدا خواهیم بود.

امید ما مشتق از احمق و ناامیدی و از این قبیل چیزها خواهد بود، و عجب آیه ۲۰، اما در واقع، مسیح از مردگان برخاسته است. اولین ثمره کسانی که خوابیده‌اند.

اولین میوه‌ها، اولین سبزیجات و میوه‌ها بودند، به معنای واقعی کلمه، از محصولات که به خدا اختصاص داده شده بودند، برای شکرگزاری از او، و آنها نمایانگر بقیه برداشت محصول هستند. به همین ترتیب، مسیح اولین میوه‌ها است. میوه‌های بیشتری در راه است.

گذشته از همه اینها، این فصل مربوط به رستاخیز است. این فصل ریشه در رستاخیز او دارد، اما درباره رستاخیز ماست. زیرا همانطور که مرگ به وسیله یک انسان آمد، آیه بعدی نیز رستاخیز مردگان به وسیله یک انسان آمده است.

زیرا همانطور که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه، یعنی قوم او، زنده خواهند شد. مسیح، اولین میوه‌ها، زنده می‌شود. طبق یوحنا ۱۹:۲، این معبد را ویران کنید و من در سه روز آن را برپا خواهم کرد.

او از معبد بدن خود صحبت می‌کرد. این بدن انسانی عیسی است که در تازگی حیات قیام می‌کند. یک دگرگونی وجود دارد.

یه دگرگونی اتفاق می‌افتد. اون غذا می‌خورد تا نشون بده که بزرگ شده. لوقا ۲۳، درسته؟ یه کم ماهی بهم بده.

من اینطور نیستم. ما مطمئن نیستیم که او نیاز به غذا خوردن داشته باشد. ببین، اینجا را ببین، توماس دستت را روی جای زخم‌های روی دست‌هایم در کنار بدنم بگذار. این مال اوست، این بدن اوست.

او نو شده است. برای عصر آینده مجهز شده است. او دیگر در حالت تحقیر نیست، بلکه اکنون در حالت سرافرازی است، اما او همان مسیح است.

با این اوصاف، اگر متون مختلفی را که رستاخیز بدن را آموزش می‌دهند مطالعه کنیم، فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱ را می‌بینیم که متنی بسیار مغفول مانده است. پس از اینکه اول قرن‌تیا ۱۵ را برای یک پروژه نوشتاری، کتابی به نام جلال خدا و پولس، که با کریستوفر مورگان به طور مشترک نوشتم، به طور گسترده مطالعه کردم، گفتم که گسترده‌ترین متون، دو مجموعه از آیات در اول قرن‌تیا ۱۵، آیات ۴۲ و ۴۳، ۵۳ و ۵۴ هستند. اما مختصرترین، مختصرترین و قدرتمندترین ارائه کوتاه از رستاخیز بدن، فیلیپیان ۳:۲۰ است، برای درک زمینه، و ۲۱.

ما از آسمان منتظر یک ناجی، خداوند عیسی مسیح، هستیم. مسیح، که دگرگون خواهد کرد، این کلام عمل است. این کلام در اول قرن‌تیا ۱۵ خلاصه می‌شود: که بدن حقیر ما را دگرگون خواهد کرد تا مانند بدن باشکوه او شود.

فروتنی، جلال. به قدرتی که او را قادر می‌سازد همه چیز را مطیع خود سازد. در اینجا، این مسیح است که مردگان را زنده می‌کند و بدن‌های ما را دگرگون می‌سازد.

حالا، دوباره، مسئله بدن‌های ماست. پیوستگی اساسی است، اما دوستان من، علاوه بر آن، ناپیوستگی یا تازگی. شکفت‌انگیزی هم وجود دارد. بنابراین، هم پیوستگی و هم ناپیوستگی وجود دارد.

فقط دارم زیرش خط می‌کشم. پایه‌اش پیوستگی است. قرار نیست این بدن کس دیگری باشد که نصیبیت می‌شود. الان زن هستی، و آن موقع هم زن خواهی بود.

ظاهراً نیازها و غیره و خواسته‌های ما متفاوت خواهد بود، اما ما برای همیشه از نظر جنسیتی متفاوت خواهیم بود. بدن فعلی، فروتن. بدن رستاخیزی، باشکوه.

چطور اینقدر حقیر است؟ آیا خدا بدن انسان را بی‌ارزش می‌کند؟ نه. از این جهت حقیر است که در معرض بیماری، ضعف و مرگ قرار می‌گیرد. از این جهت حقیر است که در قبر گذاشته می‌شود و این یک تمسخر است.

این توهینی به خلقت زیبای خداست. اول قرن‌تین ۱۵:۴۲ و ۴۳. من دارم روی جایی که اول قرن‌تین رفت، کار می‌کنم. بفرمایید.

من دارم بر اساس فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱ بحثم را ادامه می‌دهم. هیچ خلاصه‌ای مختصرتر از این در مورد اینکه بدن رستاخیز یافته چگونه است، وجود ندارد. خدای من.

اما اول قرن‌تین ۱۵ به جزئیات زیبایی می‌پردازد. ۴۲ و ۴۳، در مورد کاشتن بذر در زمین صحبت می‌کند. ضمناً این تصویر خوبی از پیوستگی و گسستگی است.

شما یک دانه آفتابگردان می‌کارید. اوه، من این کار را وقتی پسرهایمان کوچک بودند دوست داشتم، چون در مدت زمان نسبتاً کوتاهی، گل‌های آفتابگردان رشد می‌کنند و از یک دانه کوچک، گیاهی به دست می‌آید که بزرگ می‌شود و حالا در عرض چند ماه یا بیشتر به اندازه قد فرزند کوچکتان، کوچکترین فرزندتان، بلند می‌شود. بعد این روند ادامه پیدا می‌کند.

حالا از خودش بلندتر است. حالا به قد مامان است. حالا به قد بابا است.

سپس، بر فراز همه قرار می‌گیرد. چه تصویر زیبایی. پولس از گل آفتابگردان استفاده نمی‌کند، بلکه از کاشت دانه‌ها، گیاهان و رشد آنها استفاده می‌کند.

این تصویر زیبایی از پیوستگی اساسی است. در مورد او، شما گل آفتابگردان دریافت می‌کنید. وقتی گندم بکارید، گندم دریافت می‌کنید.

وقتی گندم می‌کارید، جو برداشت نمی‌کنید. وقتی جو می‌کارید، جو برداشت می‌کنید. بین آنچه کاشته می‌شود و آنچه برداشت می‌شود، پیوستگی وجود دارد.

اوه، اما به قول من، ناپیوستگی وجود دارد. مورد علاقه من ارکیده است. آنها در واقع دانه‌های ارکیده هستند، اما معمولاً، ما به برگ‌های ارکیده فکر می‌کنیم و از آنها گل‌های ارکیده به وجود می‌آیند.

اوه، یاد می‌آید که در پنسیلوانیا، یا شاید نیوجرسی، یک لانگ‌وود گاردنز داشتم. فکر کنم پنسیلوانیا، بله. قبلاً با مادرم می‌رفتم که الان پیش خداست.

یک اتاق ارکیده آنجا بود. من در بهشت بودم. خیلی شگفت‌انگیز بود.

خیلی زیباست، و آن گل‌های زیبا از ارکیده‌ها، در نهایت، از دانه‌ها می‌آیند. بعداً، لیز می‌خورند. وای شگفت‌انگیز است.

از بوته‌های گل رز ارکیده نمی‌گیرید. از گیاهان ارکیده گل رز نمی‌گیرید. پیوستگی وجود دارد، اما با این اوصاف، ناپیوستگی آن شگفت‌انگیز و شگفت‌انگیز است.

وای. پس، اینجاست، در ادامه تصویر باغبانی از گیاهان، از کاشت و برداشت. پس، با رستاخیز مردگان نیز همینطور است.

او در واقع دو ایده در ذهن دارد. تفاوت‌هایی در شکوه اجسام وجود دارد که او به تازگی آنها را نشان داده است. منظور او از اجسام، موجودات فیزیکی است و شما هر چه بکارید، درو می‌کنید، اما با فرض پیوستگی، این ناپیوستگی شگفت‌انگیز است.

در مورد رستاخیز مردگان نیز همینطور است. آنچه کاشته می‌شود، فانی است. آنچه برمی‌خیزد، بگذارید کمی بیشتر تصویرسازی کنم.

«او می‌گوید: شما دانه‌ای را در زمین می‌کارید. آن را دفن می‌کنید. از دید پنهان می‌شود. می‌میرد

رفته. باشه؟ اون مثل یه گیاه‌شناس حرف نمی‌زنه. داره به زبون ظاهر حرف می‌زنه، زبانی که کتاب مقدس اغلب ازش استفاده می‌کنه.

بالا می‌آید، رشد می‌کند. او می‌گوید که بلند شده است. البته، او در مورد مرگ و رستاخیز مسیح فکر می‌کند.

در اینجا، اول قرن‌تین ۱۵:۴۲، آنچه کاشته می‌شود، یعنی بدن‌های فعلی ما، فسادپذیر است. آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر است. آنچه در ذلت کاشته می‌شود، در ذلت کاشته می‌شود.

در جلال برمی‌خیزد. در ضعف کاشته می‌شود و در قدرت برمی‌خیزد. در بدن طبیعی کاشته می‌شود و در بدن روحانی برمی‌خیزد.

بگذارید همین کار را برای اول قرن‌تین ۱۵:۵۳، ۵۴ انجام دهم، قبل از اینکه آن را مانند یک نمودار خلاصه کنم و سپس آن را سیستماتیک کنم. اول قرن‌تین ۱۵:۵۳ و ۵۴، زیرا در بازگشت مسیح، مردگان بی‌مرگ زنده خواهند شد و ما تغییر خواهیم کرد - همان ایده‌ای که در فیلیپیان ۳:۲۱ آمده است.

مسیح دگرگون خواهد شد. دگرگونی، کلید بین بدن فعلی و بدن رستاخیز است. این همان بدن است، اما انسان، دگرگونی شگفت‌انگیز است.

این بدن فانی، اول قرن‌تین ۱۵:۵۳، باید بر بدن فناپذیر پوشیده شود، و این بدن فانی باید بر جاودانگی پوشیده شود. و وقتی این اتفاق می‌افتد، او به زبان هوشع سخن می‌گوید و مرگ و قبر را به سخره می‌گیرد. از فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱، این را استخراج می‌کنیم.

بدن حاضر، فروتن. بدن رستاخیز یافته، باشکوه. اول قرن‌تین ۱۵، اول قرن‌تین ۱۵:۴۲، ۴۳، بدن حاضر، فانی.

بدن رستاخیز یافته، فناپذیر. بدن‌های ما به معنای واقعی کلمه فنا می‌شوند. ما می‌بازیم؛ فکر می‌کنم الان تقریباً در ۷۵ سالگی، از ۲۵ سالگی ام کوتاه‌تر شده‌ام، متأسفانه.

در قبر، بدن من فاسد خواهد شد، به خاک تبدیل خواهد شد. تو از خاک گرفته شدی و در نهایت نیز به خاک تبدیل خواهی شد. خدا در پیدایش ۳ به آدم می‌گوید: بدن فعلی ما بی‌آبرو شده است.

دارم اول قرن‌تیان ۴۲:۱۵، ۴۳ را خلاصه می‌کنم. در پی آبروی کاشته شده است. بی‌آبرو شده است.

با شکوه و جلال مطرح شده است. بی‌آبرو شده است، با شکوه. من این را با فروتن و باشکوه مقایسه می‌کنم، زیرا باشکوه دومین عضو هر دو است.

بدن پست، بدن باشکوه. بدن بی‌آبرو، این یعنی چه؟ سوءاستفاده از مردم؟ نه، نه. یعنی بدن یک انسان زیبا را. که به تصویر خدا ساخته شده، در خاک قرار می‌دهید.

اون یه توله سگ مریضه. قرار نیست اینجوری باشه. آه، ما که برای مردن ساخته نشدیم.

مرگ آخرین دشمن است. اول قرن‌تیان ۲۶:۱۵. این است، این است، این است، مرگ دشمن است.

این وحشتناک است. در ضعف کاشته می‌شود و در قدرت پرورش می‌یابد.

توصیف: ضعیف، قدرتمند. این نوع سوم توصیف است. من به پسرانم یاد دادم که چگونه ورزش کنند.

همه آنها مرد بالغ هستند. هرگز فراموش نمی‌کنم. کوچکترین آنها ۱۵ ساله بود که توانست من را در بسکتبال شکست دهد. او کوچکترین بود.

فاصله است. اما او می‌توانست من را شکست دهد. توپ از بالای سرم به پایین پرتاب شد.

پسر، او از این گوش تا آن گوش لبخند بر لب داشت. ما به بازی ادامه دادیم و من هنوز او را شکست می‌دادم. شاید بیشتر از او من را. اما به مرور زمان، او هم به اندازه من او را شکست داد.

و بعد، به مرور زمان، او بیشتر اوقات مرا شکست داد. و بعد، بالاخره، من بازنشسته شدم. حدس بزنید چی شد؟ ضعیف‌تر شدم.

حتی الان. من می‌توانم شیشه‌ای را که نمی‌توانم بازش کنم، به هیچ پسری بدهم. آه، بابا، مشکلات چیست؟ بابا.

من راه می‌روم. من آنقدر ضعیف نیستم که بتوانم باشم. من و همسر شادی می‌کنیم.

ما در مقایسه با دوستان عزیز و عزیزانی که حتی در حال مرگ ما هستند، از سلامتی نسبتاً خوبی برخورداریم. اما آدم پیر می‌شود، ضعیف می‌شود. در نهایت، می‌دانید، این قهرمان جهان است، زنی در فرانسه ۱۲۰ سال داشت.

واقعاً؟ می‌خوای ۱۲۰ سال عمر کنی؟ مطمئن نیستم. نمی‌خوام هیچ جزئیاتی در موردش بدونم. داری شوخی می‌کنی؟ وای.

بدن‌های رستاخیز یافته‌ی ما قدرتمند خواهند بود. این به چه معناست؟ آنها ضعیف نخواهند شد. ما فرسوده نخواهیم شد.

ما برخلاف انتهای اشعیا ۴۰ خواهیم بود. حتی مردان جوان هم ضعیف و خسته هستند. او، بله.

پیرمردها واقعاً ضعیف و خسته هستند. بدن‌های رستاخیزی ما این بدن‌ها خواهند بود. آنها قدرتمند خواهند بود.

در آخر، راستی، من به آیات ۵۳:۱۵-۵۴ می‌پردازم چون اینجا هیچ آموزه جدیدی وجود ندارد. این تکرارِ فناشدنی «است که روی» ناپاید «قرار می‌گیرد. این همان لحن ۱۵:۴۲ اول است»

فانی جامه جاودانگی می‌پوشد. در حال مرگ جامه آنچه را که نمی‌تواند بمیرد، می‌پوشد. من این دو را یکسان می‌دانم.

بنابراین، من سه مقایسه‌ی مختلف دارم. یک مقایسه‌ی چهارم هم اضافه می‌کنم و هر چهار مورد را خلاصه می‌کنم. بدن جسمانی، بدن روحانی را می‌پوشد.

اوه، بعضی از لیبرال‌ها واقعاً تعلیم می‌دهند. آنها رستاخیز بدن را از اول قرن‌تین ۱۵ بر اساس این کلمه روحانی انکار می‌کنند. جدی می‌گویی؟ پیشنهاد می‌کنم کتاب مقدس را تفسیر نکنی.

ولش کن. اول قرن‌تین ۱۵ درباره رستاخیز جسمانی عیسی مسیح و مؤمنان است. روحانی در مقابل طبیعی است، بیشتر در مقابل طبیعی.

به معنای طبیعی پس از سقوط است. به معنای مربوط به این زندگی و جهان سقوط کرده است. خدا آدم و حوا را پس از گناه از باغ عدن بیرون راند.

این لطف خدا بود. این لطف و رحمت خدا بود. آیا آنها واقعاً مجهز بودند که برای همیشه در بدن‌های فانی زندگی کنند، بخشیده شوند و کاملاً تقدیس و جلال نیابند؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

واقعاً دوست داری تا ابد توی بدن فعلیت زندگی کنی؟ من که دوست ندارم. من هر روز بعد از ظهر چرت می‌زنم. خدای من.

من پیاده روی می‌کنم، اما ده دور هم نمی‌روم. یکی از برادرانم در کلیسا حدود چهار یا پنج دور می‌زند. من هم همین کار را می‌کنم و از این بابت خوشحالم و حالم بهتر است.

وای. نه، ابزارهای معنوی، اگر ابزارهای طبیعی با این دنیای سقوط کرده سازگار باشند، ابزارهای معنوی تحت سلطه روح هستند و توسط روح کنترل می‌شوند. نه تنها روح ما، بلکه بدن‌های ما نیز تحت سلطه روح خواهند بود تا ما را برای زندگی ابدی در زمین جدید مجهز کنند.

ما در حال حاضر مجهز نیستیم زیرا بدن‌های فعلی ما حقیر، بی‌آبرو در تدفین، فاسدشدنی، فانی، ضعیف و طبیعی هستند. پس از استخراج مطالب و آموزه‌ها از متن، خلاصه می‌کنم. با تأکید بر مهم‌ترین نکته، جهان صغیر، بدن‌های انسانی، در مقابل جهان کبیر کیهان، باید اینگونه آموزش داده شود: رستاخیز.

تداوم غالب است. اما با این اوصاف، گسستگی شگفت‌انگیزی وجود دارد. این بدن‌های فعلی به طرز شگفت‌انگیزی جدید خواهند شد.

بدن‌های جدید ما فناپذیر خواهند بود. آنها پیر و ضعیف نمی‌شوند و نمی‌میرند. باشکوه، پر از جلال خدا، منعکس کننده جلال او، ساطع کننده جلال او.

جلال یافتن مربوط به کل وجود انسان، از جمله بدن اوست. یک بدن جلال یافته چه شکلی است؟ نمی‌دانم. شاید حق با دانیال باشد، فصل ۱۲، یک و دو.

ما مثل ستاره‌های آسمان خواهیم درخشید. نمی‌دانم. وانمود هم نمی‌کنم که می‌دانم.

بدن‌های قدرتمند. رفیق، می‌تونی تمام روز تنیس بازی کنی. یا اگه دلت می‌خواد صد تا سوراخ گلف بازی کنی.

و شما می‌توانید با لذت به خداوند خدمت کنید. منظورم این است که امیدوارم هنوز بخوابیم. من عاشق خوابیدن هستم.

جاودانه. به جای اینکه فاسدشدنی، بی‌آبرو، ضعیف و فانی باشد. دوباره می‌گویم.

بدن روحانی خواهد بود. اول قرن‌تین ۱۵. اول قرن‌تین ۱۵:۴۲، ۴۳.

این بدان معناست که روح القدس بدن رستاخیز یافته را دگرگون خواهد کرد و آن را برای عصر آینده مناسب و شایسته خواهد ساخت. این بدان معنا نیست که بدن‌های ما غیرمادی خواهند بود. آنها جسمی/روحانی خواهند بود.

روحانی، با حرف بزرگ س. کاملاً تحت فرمان روح القدس. به سوی داوری نهایی می‌رویم. مرور کلی.

اگر هنوز متوجه نشده‌اید، متکلمان سیستماتیک به مرور کلی و خلاصه‌سازی علاقه دارند. و ما خودمان را بیش از حد تکرار می‌کنیم. این نحوه‌ی کار ذهن ماست.

و ما می‌خواهیم چیزهایی را به خاطر بسپارید. می‌خواهیم در مورد زمان داوری نهایی و اهداف داوری نهایی صحبت کنیم.

تقریباً هر دانش‌آموزی که تا به حال به او درس داده‌ام، تا حدودی در مورد هدف اصلی داوری نهایی سردرگم بوده است. شرایط داوری نهایی. چه کسی قرار است قاضی باشد؟ چه کسی قرار است داوری شود؟ مبنای داوری چیست؟ داوری نهایی.

زمان داوری نهایی در پایان عصر است. متی ۱۳:۴۰ تا ۴۳. اینها مثل‌های پادشاهی هستند.

من به اندازه کافی با آنها کار نکرده‌ام. وقتی به جهنم رسیدیم، این کار را خواهیم کرد. وقتی به موضوع جهنم رسیدیم، باید بگویم.

تا ۴۳. مثل علف‌های هرز. پسر انسان بذر خوب را در مزرعه کاشت ۱۳:۴۰.

مزرعه، جهان بود. بذر خوب، فرزند پادشاهی است. وقتی مردانش خواب بودند، کشاورز، دشمن، آمد و در میان آنها علف هرز کاشت.

وقتی گیاهان رشد کردند و دانه دادند، علف‌های هرز هم ظاهر شدند. و آن نوع علف‌های هرز که اینجا تصویرشان را می‌بینید، معمولاً به آنها علف‌های هرز می‌گویند، آنقدر شبیه گیاهان هستند که استاد می‌گوید نه، همه آنها را برداشت نکنید. شما خوب را در کنار بد، در کنار خوب، گندم را در کنار علف‌های هرز خواهید داشت.

بگذارید هر دو با هم تا زمان برداشت بروند. در زمان برداشت، به دروگران خواهیم گفت که ابتدا علف‌های هرز را جمع کرده و آنها را برای سوزاندن دسته بندی کنند، اما سپس گندم را در انبار من جمع آوری کنند. این خلاصه ای از متی ۱۳:۲۴ تا ۳۰ است.

روایت مَثَل علف‌های هرز. عیسی می گوید پسر انسان، بذرکار است. مزرعه، جهان است.

بذر خوب، فرزندان ملکوت هستند. دشمن، شیطان است: علف‌های هرز، فرزندان او.

فصل برداشت محصول، پایان عصر است. این زیباست. عیسی همیشه این کار را نمی کند.

در اینجا، او تمام ویژگی‌های این تمثیل را مشخص می کند. زیباست. فصل برداشت، پایان عصر است و دروگران، فرشتگان هستند.

همانطور که علف‌های هرز را جمع می کنند و با آتش می سوزانند، در پایان این عصر نیز چنین خواهد شد. پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد. آنها همه عوامل گناه و همه قانون شکنان را از پادشاهی او جمع کرده و در کوره آتش خواهند انداخت.

در آن مکان، آنها گریه خواهند کرد و دندان بر هم خواهند سایید. آنگاه پارسایان، اینجا، اینجا. این از دانیال ۱۲ است، مانند خورشید در پادشاهی پدر خواهند درخشید ۱۲.

دانیال ۱۲:۳. هر که گوش شنوا دارد، بشنود. این در پایان عصر است، به معنای واقعی کلمه. در پایان عصر نیز چنین خواهد بود.

متی ۱۳ و آیه ۴۰. به طور خاص، آخرین داوری پس از ظهور مجدد مسیح رخ خواهد داد. برگردیم به متی ۲۵.

پسر انسان با جلال می آید و بر تخت جلال خود می نشیند. این گوسفندان و بزها هستند. ملت‌ها را جدا می کند، همانطور که یک چوپان گوسفندان و بزها را جدا می کند.

پس از آمدن پسر انسان در جلال خود است که او تقسیم می کند و صالحان را به پادشاهی که پیش از آفرینش جهان برای آنها آماده شده بود، می سپارد. بزها، یعنی ناصالحان را به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده بود، می سپارد. داوری نهایی، پایان عصر، پس از دومین ظهور مسیح، پس از رستاخیز، مکاشفه ۲۰:۱۲ و ۱۳.

خواندن این متن خوب است. البته برای داوری نهایی بسیار مهم است. سپس من یک تخت سفید بزرگ دیدم، مکاشفه ۲۰، ۱۱، و کسی که بر آن نشسته بود، آن خدا بود.

از حضور او، زمین و آسمان گریختند و جایی برای آنها یافت نشد. بعداً خواهیم دید که مردی به پارسایی و تلاشگری جی. الیور باسول جونیور، این را به معنای واقعی کلمه به معنای نابودی واقعی آسمان‌ها و زمین کنونی برداشت کرد. من آن را بیشتر به عنوان یک زبان مجازی در نظر می گیرم که می گوید، آن که بر تخت نشسته، کاملاً هیبت‌انگیز است.

او حیران کننده است. باید از او ترسید. زانو بزنید، چیزی شبیه به این.

و مردگان را دیدم، بزرگ و کوچک، و بزرگان دیگر آن قلب بزرگ را احساس نمی‌کردند، که در برابر تخت ایستاده بودند و دفترها گشوده شدند. سپس دفتر دیگری گشوده شد که دفتر حیات است. و مردگان بر اساس آنچه در دفترها نوشته شده بود، بر اساس اعمالشان، داوری شدند.

. یعنی اعمال یا کارها، همان کلمه است ، (erga) «ارگا»

و دریا مردگانی را که در آنها بودند، پس داد. مرگ و هادس مردگانی را که در آنها بودند، پس دادند. و هر یک از آنها مطابق آنچه انجام داده بودند، داوری شدند.

ضمناً، این آیه شامل این سؤال است. معنی آن این است که همه مردگانی که در هر کجا مرده‌اند، زنده خواهند شد. اما این سؤال از آن دانش‌آموز شیطان صفت دبیرستانی است که می‌خواهد معلم مدرسه یکشنبه خود را به سخره بگیرد و بگوید، خانم جانسون، اگر کسی توسط ماهی یا نهنگ خورده شود چه اتفاقی می‌افتد؟ کسی که غرق می‌شود، خدا چگونه او را زنده خواهد کرد؟ خب، وقتی یوحنا می‌گوید، وقتی یوحنا می‌گوید دریا مردگان را تسلیم کرد، مثل این است که بگوییم هر مکان قابل تصویری که مردگان در آن هستند، صحنه رستاخیز خواهد بود.

!پس خداوند به سوال آن حقه‌باز کوچک پاسخ می‌دهد. او خالق است. خدای من

اگر بدن‌های ما کاملاً تجزیه شده باشند، آیا فکر می‌کنید خالقی که ما را در ابتدا از خاک زمین آفرید، قادر به بازسازی بدن‌های ما است؟ من فکر می‌کنم شاید او بتواند این کار را انجام دهد. بله، او می‌تواند این کار را انجام دهد. پس از رستاخیز است که آخرین داوری رخ می‌دهد.

هر یک از آنها داوری شدند. آیه ۱۳. باز هم، این را بر اساس آنچه انجام داده بودند می‌گوید.

ممکن است داوری بر اساس اعمال با الهیات شما سازگار نباشد، اما اگر کتاب مقدس است، باید الهیات خود را تنظیم کنید. بله، اما به نظر می‌رسد رستگاری از طریق اعمال است. این رستگاری از طریق اعمال نیست.

رستگاری در هیچ یک از عهدین هرگز از طریق اعمال نیست. رستگاری تنها از طریق فیض و از طریق ایمان به خدا، به طور خاص به مسیح، حاصل می‌شود. داوری، ایمان یا عدم ایمان را تنها به روشی که می‌تواند، یعنی با آنچه قابل قضاوت یا ملموس است، تشخیص می‌دهد.

، و این کاری است که مردم انجام داده‌اند. چیزهای بیشتری در راه است، اما فعلاً، آخرین داوری در پایان عصر، پس از آمدن دوم مسیح، پس از رستاخیز، دوم پطرس ۳، قبل از آسمان‌های جدید و زمین جدید است. بنابراین، اگر واقعاً در اینجا در کتاب مقدس جستجو کنیم و چیزهایی را کشف کنیم، گاهی اوقات کاملاً مشخص می‌شود.

اما به همان کلام خدا، آسمان‌ها و زمینی که اکنون وجود دارند، برای آتش ذخیره شده‌اند و تا روز داوری ۷:۳ و نابودی بی‌دینان نگه داشته می‌شوند. آیه ۱۳، طبق وعده او، ما منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدیدی هستیم که در آن عدالت ساکن است. آخرین داوری در پایان عصر، پس از بازگشت مسیح، پس از رستاخیز، قبل از آسمان‌ها و زمین جدید رخ می‌دهد.

اهداف داوری نهایی. بدیهی است که هدف داوری نهایی فرستادن مردم به بهشت یا جهنم است، درست است؟ دقیقاً نه. خب، منظورتان چیست؟ طبق کتاب مقدس، سرنوشت ما تعیین شده است، خب، در واقع، می‌توان گفت، در نقشه خدا قبل از خلقت جهان

اما اینجا ما با اقتصاد سر و کار داریم. بنابراین، سرنوشت ما با واکنش ما به عیسی مسیح در این زندگی تعیین می‌شود. داوری نهایی سرنوشت‌ها را تعیین نمی‌کند

سرنوشت‌ها را تعیین می‌کند. خب، پس هدف اصلی همین است، درست است؟ نه. مگر داوری آخر به پاداش و مجازات هم مربوط نمی‌شود؟ بله

، اگرچه در مورد پاداش بحث‌هایی وجود دارد. آیا این هدف اصلی است؟ خیر. اگر هدف اصلی داوری نهایی تعیین بهشت یا جهنم برای مردم نیست، پس چیست؟ مانند هر هدف اصلی دیگر در کتاب مقدس، هدف اصلی داوری نهایی مربوط به خداوند متعال است

، بله، هدف ثانویه تعیین سرنوشت‌های ابدی است. و بله، قطعاً درجات مجازات وجود دارد. و به نظر من، اگرچه افراد خوب مخالفند، اما درجات پاداش وجود دارد

برخی می‌ترسند که این به فیض الهی آسیب برساند. من یک الهی‌دان تفسیری هستم. در نهایت، ترجیح می‌دهم کتاب مقدس باشم تا الهی‌دان

ترجیح می‌دهم در الهیاتم حفره‌ها یا ناپیوستگی‌هایی داشته باشم و کتاب مقدس باشم. به نظر من پاداش‌ها آموزش داده می‌شوند و فکر نمی‌کنم به فیض الهی آسیبی برساند. اما در حال حاضر، هیچ کدام از این‌ها مهم‌تر نیستند

این مهم است، و طبق کتاب مقدس است. خدای من. داوری نهایی سرنوشت‌ها را تعیین می‌کند

مهمترین هدف داوری نهایی، جلال بخشیدن به خداست. مهمترین هدف هر چیزی جلال دادن خداست. ما آن را به زبان می‌آوریم

دعاهایمان را به پایان می‌رسانیم. به عزت و جلال تو. آمین

و فکر می‌کنم منظورمان همین است. هرچند می‌توانستیم منظورمان را بهتر بیان کنیم. می‌توانستیم از صمیم قلب‌تر منظورمان را بیان کنیم و فقط این کلمات را به زبان نیاوریم

داوری نهایی برای نمایش جلال خدا، به ویژه حاکمیت، عدالت، قدرت، حقیقت و قدوسیت اوست. دوستان من، این یک جمله‌ی دشوار است. و اگر مورد سوءاستفاده قرار گیرد، می‌تواند رشته‌ی عصبی بشارت را که بسیار مهم است، قطع کند

خداوند در سرنوشت هر انسانی جلال خواهد یافت. خداوند شکست نمی‌خورد. وای، وای، وای، وای، وای

وقتشه. من می‌فهمم که خدا در نجات قومش جلال می‌یابد. و حق با شماست، او جلال یافته است

این جلال، قدرت، لطف، حاکمیت، رحمت، حقیقت و تقدس او را نشان می‌دهد. همه این چیزها. آیا منظورتان این است که می‌گویید کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا در عذاب انسان‌ها جلال می‌یابد؟ با فروتنی و اشک، پاسخ من مثبت است.

من الهیات خودم را از خودم نمی‌سازم. و نمی‌گویم که بی‌نقص است. قبول دارم، کسی که نمودار درجات خطا را ارائه می‌دهد، اعتراف می‌کند که اشتباهاتی دارد.

اما کتاب مقدس در رومیان ۲:۵ در مورد ریاکاران، منافقان، افرادی که مردم را محکوم می‌کنند و همان کارها را انجام می‌دهند، تعلیم می‌دهد، پولس می‌گوید. به دلیل قلب سخت و توبه‌ناپذیر شما، حتی اگر کسی با گناه مکرر دست و پنجه نرم کند، متفاوت است. اگر آنها بارها توبه کنند، این با یک قلب سخت و توبه‌ناپذیر متفاوت است.

من توصیه نمی‌کنم که با گناهان عادی دست و پنجه نرم کنید، هرچند همه ما این کار را می‌کنیم. اما شما ریاکاران، به دلیل قلب سخت و توبه‌ناپذیرتان، در این زمینه، در روز غضب، زمانی که داوری عادلانه خدا آشکار خواهد شد، خشم خود را ذخیره می‌کنید. در آخرین داوری، جلال خدا در محکومیت عادلانه‌اش بر گمراهان بر کائنات آشکار خواهد شد.

ما در آن روز خدا را ستایش خواهیم کرد. جیم پکر از بسیاری جهات به من کمک کرده است، در تفسیر، در الهیات و در نگرش‌ها. همان مردی که گفت، اگر می‌خواهی مردم را در جهنم ببینی، چیزی در تو اشتباه است. گفت، درک و قدردانی من از عدالت خدا در آن روز بسیار بهتر خواهد بود.

شوخی نمی‌کنی. چون یاوه‌گویی‌ها و حماقت‌های ما و بی‌احترامی‌مان به خدا و ذات او، دیگر به گذشته تعلق نخواهد داشت. وحی در این زمینه کاملاً ترسناک است.

مکاشفه ۱۱، به ستایش‌های خدا برای داوری‌اش گوش دهید. من واقعاً فکر می‌کنم که این درست است. ما دیدگاه بسیار بالایی نسبت به انسان‌ها و دیدگاه بسیار پایینی نسبت به خدا داریم.

من به بشارت دادن اعتقاد دارم. بعد از نوشتن کتابی در مورد جهنم، با التماس خودم را به تابلوی ماموریت رساندم. داشتم از درون منفجر می‌شدم.

و من سال‌ها با شادی خدمت کردم، برای آن مبلغان عزیز دعا کردم و به آنها در هدایتشان کمک کردم. پس از نوشتن کتابی در دفاع از انحصارگرایی، باید در این زندگی به انجیل عیسی ایمان بیاورید تا نجات یابید. در مخالفت با شمول‌گرایی، می‌توانید بدون ایمان به انجیل در این زندگی توسط عیسی نجات یابید. متأسفم، این چیزی نیست که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد.

من مطالعه کردم، ارزیابی کردم و حمایت نمادین ناچیزم را از رادیو ترانسول، که انجیل واقعی را موعظه می‌کند، آغاز کردم. اوه، آیا آنها با صدای بلند اصلاح شده‌اند؟ نه به طور خاص. اما افراد نجات نیافته به انجیل نیاز دارند و آنها آن را به زبان‌های دنیا، خدمات ویژه برای زنان و کودکان و غیره به آنها می‌دهند.

ستایش خداوند. من با تمام وجود از آن حمایت کردم چون باید کاری می‌کردم. اگر من معتقدم که برای نجات یافتن باید انجیل را شنید، در مورد کسانی که نمی‌شنوند چه؟ خب، رادیو ترانسول رادیو می‌فرستد و گروه‌هایی از مردم در مکان‌های باورنکردنی دور رادیو جمع می‌شوند تا کلام خدا را بشنوند.

ستایش خداوند. مهمترین هدف داوری نهایی، نجات ما نیست، هرچند که هلولیاه برای آن. پاداش دادن نیست، هرچند که این جالب است. تجلیل از شخصیت خداست

مکاشفه ۱۷: ۱۱ و ۱۸. با نواخته شدن شیپور هفتم، پادشاهی جهان از آن پروردگار ما و مسیح او شد و او تا ابد سلطنت خواهد کرد. و ۲۴ پیر که بر تخت‌های خود نشسته‌اند، معتقدند که این تخت‌ها نمایانگر قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید، ۱۲ قبیله، رهبران ۱۲ قبیله و ۱۲ رسول، تمام خانواده خدا در تمام اعصار، به نمایندگی از رهبران‌شان، هستند و به روی خود افتادند و خدا را پرستش کردند

می‌گویند، تو را شکر می‌کنیم، ای خداوند، خدای قادر مطلق، که هستی و بودی، زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و سلطنت را آغاز کرده‌ای. ملت‌ها خشمگین شدند، اما خشم تو فرا رسید و زمان داوری مردگان و پاداش دادن به بندگان، انبیا و مقدسین و ترسندگان نام تو، چه کوچک و چه بزرگ، و نابود کردن ویرانگران زمین فرا رسید. معبد خداوند خدا در آسمان گشوده شد و صندوق عهد در معبد او دیده شد

برق و غرش، رعد و برق و زلزله و تگرگ شدید رخ داد. این موضوع جدی است. روز قیامت، مانند هر چیز دیگری، در درجه اول به خود خدا مربوط می‌شود

مکاشفه ۳: ۱۵ و ۴. سپس نشانه‌ای دیگر در آسمان دیدم، هفت فرشته با هفت بلا که آخرین بلاها هستند، زیرا با آنها خشم خدا به پایان رسیده است. چیزی دیدم که به نظر دریایی از شیشه آمیخته با آتش می‌آمد، و همچنین آن اعدادی که بر وحش و تصویرش و عدد اسمش پیروز شده بودند، در کنار دریای شیشه ایستاده بودند و چنگ‌های خدا را در دست داشتند. این تصور از کجا می‌آید، در دستانشان. و آنها سرود موسی، بنده خدا، و سرود بره را می‌خوانند

بار دیگر، ۲۴ نفر از بزرگان، قبایل و رسولان. سرود موسی، عهد عتیق، سرود بره، عهد جدید. کتاب مکاشفه می‌گوید که کتاب مقدس یک کتاب با یک هدف است

اوه، مطمئناً به روش‌های مختلفی اداره می‌شود. عهد عتیق عهد جدید نیست، اما همه بخشی از یک کلام مقدس هستند. عظیم و شگفت‌انگیز است اعمال تو، ای خداوند، خدای قادر مطلق

ای پادشاه ملت‌ها، راه‌های تو عادلانه و درست است. کیست که از خداوند نترسد و نام تو را ستایش نکند؟ این هدف داوری آخر است، زیرا تنها تو قدوس هستی

همه ملت‌ها خواهند آمد و تو را پرستش خواهند کرد، زیرا اعمال صالح تو آشکار شده است. یک جای دیگر. و ۶. هفت جام خشم خدا ۵: ۱۶

موضوع بسیار جدی است. همانطور که فرشتگان کاسه‌های خشم خدا را بر سر بشریت بی‌ایمان می‌ریختند، فرشته‌ی مسئول آب‌ها را شنیدم؛ کاسه‌ی سوم بر روی آب‌ها ریخته شد، گفت، فریاد زد، گفت، شنیدم فرشته‌ی مسئول آب‌ها گفت، مکاشفه ۱۶، ۵ و ۶. تو فقط هستی، ای قدوس، که هستی و بودی، زیرا تو این داوری‌ها را آوردی. زیرا خون مقدسین و انبیا را ریختند و تو به آنها خون دادی تا بنوشند

این همان چیزی است که آنها سزاوار آن هستند. و من شنیدم که محراب می‌گوید: بله، ای خداوند، خدای قادر مطلق، داوری‌های تو درست و عادلانه است. در سخنرانی بعدی‌مان، به اهداف داوری نهایی ادامه خواهیم داد، اما این نکته را مطرح کرده‌ایم که مهمترین هدف مربوط به خود خدا و جلال اوست

،من دکتر رابرت ای .پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان .این جلسه ۱۸ رستاخیز بدن، زمان‌بندی داوری نهایی است